



طراحی و اعتبار سنجی مدل مطلوب مدیریت بحران زیست محیطی کرونا بر امنیت بین الملل

خادمعلی تهذیبی^۱، گارینه کشیشیان سیرکی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

چکیده:

پژوهش حاضر در صدد طراحی و اعتبار سنجی مدل مطلوب مدیریت بحران زیست محیطی کرونا بر امنیت بین الملل است. برای پردازش مسأله، از راهبرد پژوهش کیفی و از نوع تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. داده های پژوهش با استفاده از مصاحبه ی نیمه استاندارد با پانزده نفر از خبرگان حوزه صلح و امنیت که با استفاده از روش نمونه گیری نظری انتخاب شده بودند؛ گردآوری گردید و با کاربست روش تحلیل مضمون از نوع شبکه ی مضامین مورد تحلیل قرار گرفت و مدل مفهومی اندازه گیری شبکه ای بر ساخته شد. یافته های پژوهش کیفی نشان داد که مدل مطلوب آینده ی امنیت در نظام بین الملل شامل پنج مضمون فراگیر: ۱- توجه به تهدیدات امنیتی ناشی از بحران بیماری های فراگیر و اپیدمیکی (کرونا)، ۲- توجه به نسل سوم حقوق بشر، ۳- تغییر نگرش از توجه به تجهیزات نظامی به جنبه های بهداشتی، اقتصادی، ۴- ضروری بودن رعایت حقوق همگانی در دستیابی به امنیت بین الملل و ۵- لزوم برنامه ریزی محیط زیستی در چارچوب برنامه ریزی کشوری بوده است. علاوه بر آن، جهت «اعتبار سنجی» مضامین و مدل بر ساخته شده، از دو روش ارزیابی اعتبار به شیوه ی ارتباطی و نیز روش ممیزی و به منظور «پایایی سنجی» از دو روش قابلیت تکرار پذیری و نیز قابلیت انتقال یا تعمیم پذیری استفاده شده است.

واژگان اصلی: امنیت بین الملل، کرونا، بحران زیست محیطی، طراحی، اعتبار سنجی.

۱. دکتری روابط بین الملل، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)



مقدمه

در همه گیری ویروس کووید-۱۹، برای اولین بار در طول حیات بشر، انسان با یک تهدید مشترکی مواجه است که باید به طور جمعی آن را شکست دهد. در حال حاضر، عمده بحث‌ها حول هزینه اقتصادی و تلفات جانی جریان دارد. صدمات این همه‌گیری حقیقتاً عظیم بوده و تنها با ویرانی‌های جنگ‌های بزرگ جهانی قابل مقایسه است. همانند پایان جنگ‌های جهانی، نظیر جنگ جهانی دوم، پایان این جنگ همه‌گیری نیز نقطه عطفی تاریخی خواهد بود. این ویروس به ما آموخت که تهدیدات امنیت جهانی به سرعت در حال تغییر است و ما در تقابل با دشمنان اساساً جدیدی هستیم. این امر مستلزم تحولات بنیادین در اولویت‌های امنیتی ماست. امنیت ملی دیگر نباید صرفاً بر اساس توانمندی‌های نظامی یک کشور تعریف شود. تسلیحات هسته‌ای و دیگر تسلیحات مدرن قادر به مبارزه با همه‌گیری، تغییرات اقلیمی، مهاجرت‌های غیرقابل کنترل و دیگر چالش‌های فراروی بشر به طور کلی و کشورها به طور انفرادی نیستند. اکنون ما شاهد آن هستیم که بسیاری از ابزارهای قدیمی که از گذشته برای تضمین امنیت ما به ارث رسیده‌اند، بی‌فایده است و صرفاً باعث هزینه منابع عظیمی می‌شود که می‌تواند صرف توسعه علمی، آموزش و پزشکی شود. (Vreÿ & Solomon, 2020, pp. 8-9)

به موازات پیشرفت تکنولوژی در جهت تأمین امنیت جهانی که قادر به تشخیص مواد اتمی و جلوگیری از فعالیت‌های پنهانی هسته‌ای حتی از فاصله‌های دور شده، جهان امروز نیازمند وجود تجهیزاتی پیشرفته برای تشخیص تهدیدات بیولوژیک و ردیابی فعالیت پنهانی دولت‌ها در این زمینه است. با نگاهی اجمالی به تاریخ متوجه خواهیم شد که اهمیت وجود این‌گونه تجهیزات حتی در دوران جنگ سرد و رقابت میان شوروی و کشورهای اروپایی به خوبی درک می‌شده است به طوری که هر یک از آنها از طریق جاسوس‌های خود در پی حصول اطلاعات بیشتر در مورد میزان توفیق جبهه رقیب در تولید عوامل عصبی و بیولوژیکی بودند. حال که اپیدمی کرونا باعث تلنگری جدی به سیاستمداران جهان شده و به راحتی با محک آمادگی و توانایی آنها در جهت مقابله با هرگونه تهدیدات امنیتی احتمالی در آینده، نقاط ضعف آنها را به روشنی آشکار کرده، لذا بهتر است برای تأمین امنیت و سرعت دیدمان را از توجه صرف به تجهیز نظامی به جنبه‌های بهداشتی، اقتصادی و ... افزایش دهیم (Vreÿ & Solomon, 2020, pp. 2-9)، چرا که اکوسیستم تخریب شده از عوامل مهم ایجاد بیماری‌های فراگیر است. از عوامل اصلی این تخریب‌ها و ایجاد بیماری‌ها و انتقال آن به انسان را می‌توان تجاوز خود انسان‌ها به محیط زیست دانست. تضمین سلامت انسان‌ها در گرو

اکوسیستم سالم است. سازمان محیط زیست ملل متحد مسئول حفاظت از اکوسیستم و جلوگیری از شیوع بیماری‌هایی است که از حیوانات به انسان منتقل می‌شوند و خسارات جبران‌ناپذیری ایجاد می‌کنند. بیماری‌هایی مانند ابولا، ویروس نیل غربی، زیکا و آنفلوآنزای مرغی از نمونه‌های قبلی و ویروس کرونا جدیدترین نمونه این مدل بیماری هاست. (Raje, 2020, pp. 3-7)، بنابراین یکی از ابعاد جدید امنیت، بعد طبیعی آن است که ناظر بر ایمنی و آرامش فضای جغرافیایی زیستگاه سازه-های انسانی ناشی از پدیده‌ها و تهدیدات طبیعی نظیر سوانح طبیعی، بیماری‌های واگیردار و اپیدمیک، آلودگی‌های محیطی، کاستی بنیادهای زیستی، بحرانهای اکولوژیک و اکوسیستمی و غیر آن می‌باشد. تأمین شرایط و امکانات لازم برای حفاظت از جان و مال انسانها و سازه‌های انسانی ساکن در مکانها و فضاهای جغرافیایی در برابر حوادث مزبور و نیز بیماریهای اپیدمیک «طبیعت پایه»، استانداردسازی زیستگاه، ارتقای سطح بهداشت و تأمین نیازهای درمانی و زیستی آن از نوع امنیت طبیعی است (Hafeznia, 2018, p. 458) از این نوع امنیت گاهی به امنیت محیطی و یا زیست محیطی نیز تعبیر می‌شود؛ چنان‌که رابرت کاپلان در سال ۱۹۹۴ م. می‌نویسد: «اکنون زمان آن فرا رسیده است تا درک شود که محیط زیست مسأله‌ی مهم امنیت ملی در اوایل قرن بیست و یکم است. تأثیر سیاسی و استراتژیک جمعیت‌های موج، پخش بیماری‌ها، جنگل‌زدایی و فرسایش خاک، تهی‌سازی منابع آب، و احتمالاً بالا آمدن سطح دریاها تا حالت بحرانی، جملگی در کانون چالش سیاست خارجی کشورها خواهند بود» (Hafeznia and Nourani, 2020, pp. 1-2) از این رو بررسی این مقاله از این منظر دارای ضرورت و اهمیت است که بایستی به تأثیرگذاری ویروس کرونا بر امنیت توجه جدی شود و صرفاً از حیث تلفات جانی و مهار مرگ و میرها خارج شود، زیرا شیوع بیماری ویروس کووید ۱۹ (کرونا) با دایره‌ی گسترده‌ی و تبعات چندبعدی، نه تنها تمامی کشورهای دنیا را درگیر خود کرده است بلکه ساختار صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز با چالش اساسی مواجهه نموده است؛ چرا که شمولیت جهانی بحران کرونا لزوماً و منطقاً به معنای ایجاد تبعات و چالش‌های یکسان برای حتی دو کشور هم مرز و همسایه با بیشترین اشتراکات هم نمی‌باشد. آنچه ضرورت و اهمیت این مقاله رو نشان می‌دهد این است که تضعیف نظام تکثرگرایی ارزش‌ها در شرایط تنوع قومی در سطح جهانی و نیز افزایش ابهام، ناهماهنگی و ناهمخوانی در مورد مفاهیمی مانند صلح، امنیت، حقوق بشر و تهدید از یک طرف، و وجود نقطه نظرات مختلف پیرامون مسائل حقوق بشری و شیوه برخورد با بحران‌هایی از جمله اقتصاد و محیط زیست از طرف دیگر مانعی



جدی بر سر راه ایجاد نظام امنیت در سطح جهانی است و این به نوبه خود می تواند تأثیری منفی بر منافع ملی داشته باشد در این راستا پرداختن به تأثیر بحران زیست محیطی کرونا بر امنیت بین الملل می تواند حائز اهمیت و ضرورت فراوانی باشد. از این رو این مقاله درصدد طراحی و اعتبار سنجی مدل مطلوب بحران زیست محیطی کرونا بر امنیت بین الملل است.

پیشینه و ادبیات تحقیق

فراحتی مهرزاد (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان: «پیامدهای روان شناختی شیوع ویروس کرونا در جامعه» بررسی می کند که با ظهور ویروس کرونا، زندگی و سلامت میلیون ها انسان پس از چند هفته مورد تهدید قرار گرفته است. در این مقاله، پیامدهای روان شناختی شیوع ویروس کرونا در پنج حیطه بررسی شده که عبارتند از پیامدهای روان شناختی شیوع ویروس بر سلامت روان جامعه، سلامت روان کودکان، سلامت روان کارکنان مراقبت های بهداشتی، احساس اندوه جمعی، واکنش سوگ ابراز نشده و تعارضات خانوادگی و در پایان به جمع بندی این پیامدها پرداخته شده و راهکارهای پیشنهادی برای مقابله و پیشگیری از این پیامدها مطرح شده است. رامز الشیشی (۲۰۲۰) در مقاله ای تحت عنوان: «کووید-۱۹ تهدیدی برای نظام امنیت جهانی» به این موضوع تأکید دارد که شیوع کرونا بی شک رخدادی بزرگ با ابعاد بهداشتی، درمانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی است که عرصه ی جهانی و روابط بین الملل را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. دانشگاه شیراز (۱۳۹۹) در کتابی با عنوان: «ابعاد حقوقی، سیاسی و امنیتی بحران کرونا در جهان و ایران» به تحلیل معضلات جهان کرونایی و پساکرونا پرداخته است. در این کتاب موضوعاتی از جمله: ابعاد حقوق بشری کووید ۱۹، فرصت ها و تهدیدات سیاسی پس از کرونا در ایران، چالش های حقوقی تأثیر کرونا، کرونا و تقویت فردگرایی یا ارتقای معنویت، بررسی شده است. حوزه و دانشگاه (۱۳۹۹) در کتابی با عنوان: «بحران کرونا و مسئولیت حقوقی و اخلاقی مربوط به رعایت سلامت همگانی» ضمن بررسی بحث کرونا و تأثیرات متعدد آن، مباحثی از جمله مسئولیت مدنی، مسئولیت حقوقی، مبانی فقهی مسئولیت کیفری، چالش های سیاست جنایی، ضمان ناشی از انتقال کرونا و غیره را مورد بررسی قرار می دهد. ساشا جوردژویچ و بویان دوبوژک (۲۰۲۰) در مقاله ای با عنوان: «جرم سازمان یافته در بالکان غربی: شش مورد در ابتدای ویروس کرونا» هدف از این مقاله را نشان دادن پیامدهای بیماری ویروس کرونا در ۲۰۱۹

(COVID-19) در مبارزه با جرم و ارائه مناظر جنایی جدید در بالکان غربی شش (WB6) (آلبانی، بوسنی و هرزگوین، کوزوو، مقدونیه شمالی، مونته نگرو و صربستان) در آغاز بحران همه‌گیری دانسته‌اند. که از این منابع در قسمت‌هایی از مقاله استفاده خواهد شد، ولی مقاله حاضر تفاوت‌های اساسی با بحث‌های پیشین دارد.

محیط زیست و امنیت بین‌الملل

آگاهی درباره مسائل زیست محیطی و تأثیر آن بر صلح و امنیت جهانی، در غرب، از اواخر دهه ۱۹۶۰، افزایش پیدا کرد و باعث به وجود آمدن نهضت‌های مختلف در اقصی نقاط جهان شد، همچنین توجه ویژه‌ی بسیاری از رشته‌های تحصیلی مختلف را به خود جلب کرد. از دهه ۱۹۷۰ به بعد نیز، بسیاری از دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادها، رژیم‌های مدیریت بین‌المللی محیط زیست را ایجاد کرده‌اند، تا بتوانند از طریق آن و با اتکا به اطلاع‌رسانی‌های جهانی، جلوی پیشرفت تخریب هرچه بیشتر کره‌ی زمین را بگیرند. در بسیاری از فعالیت‌های سیاسی و کنش‌های بین‌المللی که به محیط زیست مرتبط است و بر تدوین، اجرا و نظارت این رژیم‌ها متمرکز هستند، انواع بازیگران و زیرمجموعه‌های آن نقش بسزایی دارند. بدون تردید تا اواخر قرن بیستم نگرش ویژه و سازمان‌یافته‌ای نسبت به بحث امنیت زیست محیطی در دنیا وجود نداشت. امنیت زیست محیطی حوزه‌ی جدیدی از مطالعات امنیتی است که پژوهشگران و نظریه‌پردازان نوین امنیت را بر این داشته تا توجهی عمیق‌تر نسبت به موضوعاتی همانند گرم شدن کره زمین، آب شدن یخ‌های قطب، فرسایش لایه ازن، تخریب جنگل‌ها و فضا‌های سبز، و سایر مسائل زیست محیطی داشته باشند و آن را در زمره تهدیدات آینده بشریت قلمداد کنند، تهدیداتی که دولت‌ها را با احساسی مشترک روبه‌رو ساخته است. در این راستا سازمان‌های بین‌المللی می‌کوشند تا تعیین هر گونه روند امنیت‌ساز را بر اساس نشانه‌های تهدید به دنیا معرفی کنند و معتقدند که بزرگ‌ترین تهدید امنیتی در سال‌های اخیر کمبود منابع می‌باشد. حال سئوالی که مطرح می‌شود این است که، با توجه به این که این موضوع در دستور کار سازمان بین‌الملل قرار دارد، تا چه میزان شاهد پیشرفت آن در سطح بین‌الملل هستیم؟ و برای بهبود این وضعیت چه باید کرد؟ (Solomon, 2017, p. 121)

وقتی از مسائل زیست محیطی و تأثیر آن بر امنیت ملی کشورها و صلح جهانی سخن می‌گوییم، از یک رخداد جهانی با طیف گسترده‌ای از موضوعات تأثیرگذار بر این روند حرف



می‌زنیم که یکی از این عوامل اثرگذار، تغییرات آب و هوایی است که نه تنها زیستگاه‌های طبیعی حیات بشری را بر روی کره زمین به خطر می‌اندازد، بلکه در تعریف نظم نوین جهانی و روند جهانی شدن، سلسله مراتب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان را نیز دگرگون می‌سازد و احتمال بحران‌ها و آشوب‌های جدیدی را گسترش می‌دهد، به نحوی که می‌تواند باعث به وجود آمدن جنگ‌های داخلی یا گسترده در سطح نظام بین‌الملل شود. بدون شک این روند می‌تواند موجب خسارت‌های بسیاری به دولت‌ها شود و عدم توجه به آن باعث وقوع خشونت‌های تازه‌ای در دنیا می‌شود. فراگیر شدن این واقعیت که جهان امروز با کمبود منابع روبه‌رو است، خطری جدی برای دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است. به طور مثال بحران آب، یکی از جدی‌ترین بحران‌های سال‌های اخیر است که به ویژه در مناطقی مانند خاورمیانه، به خوبی احساس می‌شود. اما برای پایان بخشیدن به این مشکلات، تنها منطقی نگاه کردن به مسأله و ارائه راهکارهای تکراری مؤثر واقع نمی‌شود. دولت‌ها نمی‌توانند با پذیرفتن این مسأله که یک حقیقت اجتماعی است و رابطه میان تخریب طبیعت و جنگ یک رابطه اجتناب‌ناپذیر است و به صرف این‌که از نظر امنیتی به شدت بر حوزی ژئوپلیتیکی و سیاسی آن‌ها تأثیرگذار است، دست به اقدامات جدی نزنند. مسائل زیست محیطی مهم‌تر از آن هستند که تنها با اتکا به نهادهای فراگیر دوستان زمین و دیگر سازمان‌های فعال در این راستا، بتوان آن‌را حل نمود. بدون شک ارائه رویه‌ای قانونمند که ضمانت اجرای بالایی در سطح بین‌المللی داشته باشد و به صورت قاعده‌ای آمره و الزام‌آور محسوب شود، می‌تواند یکی از راهکارهایی باشد که سازمان بین‌الملل باید بدان توجه کند و سطح نگرش فردی را به نگرش اجتماعی سوق دهد. در حقیقت دولت‌ها باید بتوانند با تغییر سطح دیدگاه خود، بریکی از نگرانی‌های جدید جهانی که ظهور تخریب‌های زیست محیطی بوده، غلبه کنند و به این سبب توجه دیگر ارگان‌های وابسته به این مسأله را معطوف به مسائل حقوقی برای ترویج حفاظت از منابع طبیعی، کنترل میزان آلودگی، منع نشر آلاینده‌های سمی و اشکال دیگر حفاظت از محیط زیست کنند. (Conca & et al, 2017, pp. 3-4)

در راستای نظریه پست مدرنیسم؛ امنیت جهانی تنها متوجه پاسداری از مرزها، حاکمان و منافع ملی کشورها نیست، بلکه تمام شهروندان این جهان را در نظر دارد. به عبارت دیگر امنیت مردم هم‌تراز امنیت دولت به حساب آمده و به همان اندازه خطیر و شایان توجه می‌باشد. امنیت کره زمین بسیار کلان و ناظر بر وضعیت کره‌ای است که ما بر روی آن زندگی می‌کنیم. مشکلات عمده‌ای که امنیت جهانی از این ناحیه با آن‌ها مواجه است، به طور کل

مشمول مسائل زیست محیطی بوده و دلالت بر این دارند که امکانات و شرایط یک زندگی ایمن و آرامش بخش بر روی کره زمین در حال نابودی است و انسان به شرایطی نزدیک می شود که در آن زندگی با تهدیدات زیادی همراه خواهد بود. تهدیداتی چون اشعه های خطرناک خورشید، مواد سمی، کمبود آب، گرمای زمین و کمبود انرژی که هر یک می توانند باعث از بین رفتن حیات انسان شوند. این مفهوم از امنیت جهانی، به شدت آسیب پذیر است و چنین به نظر می رسد که نبود یک سازمان واحد مقتدر برای اداره امور جهانی، تصمیم گیری اجرا در این خصوص را با مشکل جدی مواجه ساخته است. (Conca & et al, 2017, p. 4)

مبانی نظری تحقیق

در پژوهش حاضر به منظور تبیین نظری طراحی و اعتبار سنجی مدل مطلوب بحران زیست محیطی کرونا بر امنیت بین الملل از رویکرد تلفیقی شامل تئوری مکتب کپنهاگ، سازه-انگاری و لیبرالیسم استفاده شده است. در ادامه به هر یک از این رویکردهای نظری در رابطه با موضوع پژوهش پرداخته می شود:

مکتب کپنهاگ: امنیت چند بعدی و امنیت انسانی

تئوری های جدید در مطالعات امنیتی مانند مکتب کپنهاگ، به رغم آن که امنیت ملی را مرکز ثقل و گرانیگاه مطالعات خود قرار داده اند، با این حال معتقدند که اگر دولتی نتواند امید به زندگی را در بین شهروندان تأمین و تضمین کند، از لحاظ امنیت اجتماعی و امنیت عمومی فاقد کارآمدی بوده و اگر امنیت اقتصادی و زیست محیطی را تأمین ننماید، فاقد هرگونه امنیت ملی است. مکتب کپنهاگ ارتباط نزدیکی با متفکران سیاسی- فلسفی اروپای نیمه دوم قرن بیستم دارد (Лапаева, 2014, p. 89). از نگاه این مکتب پایان جنگ سرد در ۱۹۹۱ موجب تغییر نوع نگاه به امنیت و تعاریف حاصل از آن شد: «بدین ترتیب مطالعات امنیتی تغییرات قابل توجهی را تجربه نمود و از تمرکز سنتی بر تهدید، به کارگیری و مدیریت نیروی نظامی و موضوعات مرتبط با آن فاصله گرفت. موضوعات جدیدی مانند بارش باران های اسیدی، گسترش بیماری ایدز، قاچاق بین المللی مواد مخدر، کاهش منابع محدود کره زمین، تخریب لایه ی اوزون، گرم شدن جهان، انفجار جمعیت، بحران های اقتصادی جهان و شکاف عمیق میان جهان ثروتمند و فقیر نیز وارد حوزه مطالعات امنیتی گشت» (Shultz, 1997, p. 43). باری بوزان یکی از اندیشمندان این



حوزه معتقد است علاوه بر تحول در مرجع امنیت، در تحلیل چندبعدی آن باید به بررسی تأثیر فرهنگ، جغرافیا، محیط زیست، تمدن و مذهب، و از همه مهم‌تر، هویت نیز توجه شود. به عبارت دیگر، هدف مرجع، هویت افراد جامعه است. با توجه به آنچه که گفته شد، تحلیل نوین از امنیت، تنها منحصر به چارچوب عینی نبوده، بلکه موضوعی بین‌الذاته‌ای است. Booth, 2005, pp. (260-261). نکته قابل ذکر پیرامون مکتب کپنهاگ، مفهوم امنیتی ساختن است. امنیتی ساختن به فرآیندی گفته می‌شود که منجر به اهمیت و قراردادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت می‌گردد، در حالی که پیش از آن در این حوزه قرار نداشته‌اند. امنیتی کردن به معنی قرار دادن یک موضوع غیرامنیتی در مداری امنیتی است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۹)؛ به عنوان مثال مواد مخدر از یک معضل اجتماعی به عنوان عاملی تأثیرگذار بر امنیت ملی و سیاسی مطرح می‌گردد، چرا که گروه‌های معارض و مخالف روند سیاسی حاکم بر تولید و تجارت مواد مخدر به عنوان منبع درآمدی برای تأمین مالی و خرید سلاح و غیره به منظور مقابله با دولت حاکم استفاده می‌کنند. طرفداران این نظریه استدلال می‌کنند که شهروندان یک کشور لزوماً بدلیل وجود امنیت در مرزهای آن کشور به طور کامل از تهدیدات در امان نیستند. آن‌ها بر این باورند که تهدیدات دیگری نیز وجود دارند که حتی در صورت امن بودن مرزهای کشور ممکن است شهروندان را با مخاطرات بسیاری مواجه نماید. این تهدیدات عبارت از فقر، گرسنگی، شکنجه، اعمال محدودیت بر حقوق اساسی افراد توسط حکومت‌های غیر دموکراتیک و بیماری‌های مزمن هستند.

سازهانگاری و امنیت

سازهانگاری بیش از هر چیز چارچوب تحلیلی به اصطلاح فرا نظری در کل علوم اجتماعی است که بعضی سعی کرده‌اند از آن یک نظریه روابط بین‌المللی استخراج کنند (Moshirzadeh, 1996, pp. 14-15) آنچه سازهانگاران بر آن تأکید می‌کنند سرشت اجتماعی کنشگران اجتماعی است. دولت‌ها و هر کنشگر انسانی که در روابط بین‌الملل می‌شناسیم، یک هویت اجتماعی دارد؛ یعنی نمی‌توان کنشگری ماقبل اجتماعی تصور کرد و هویت کنشگران از تعامل بین خودشان حاصل شده است.

«مباحث هستی‌شناسی کانون توجه سازهانگاران است و آنها مرکز ثقل بحث را در حوزه بین‌المللی از معرفت‌شناسی (جریان غالب مدرنیته)، به هستی‌شناسی منتقل کرده‌اند که مایل است جهان و موجودات آن را د حال شدن ببیند تا بودن (Stefano, 2000, p. 144)، در

همین بعد هستی‌شناسانه توجه سازه‌انگاران عمدتاً به انگاره‌ها، معانی، قواعد، رویه‌ها و هنجارها معطوف شده است و به نظر آنها، نظام‌های معنایی تعریف می‌کنند که کنشگران چگونه باید محیط خود را تفسیر کنند. (Marlene, 1997, p. 225)

نخستین کارهای امنیتی منبعث از دیدگاه سازه‌انگاری، معطوف به مبحث «جماعات امنیتی» است. آدلر، کاتزنستین، و بارنت نظریه‌پردازان این حوزه‌ی خاص هستند. بر این اساس، نظریه‌پردازان مذکور با ادامه آراء و نظریه‌های کارل دویچ پیرامون رویکرد مبادلات - ارتباطات در نظریه‌های همگرایی از استنتاجات نظری دیدگاه سازه‌انگاری در مطالعات امنیتی بهره جسته‌اند. در اینجا لازم به ذکر است که مبحث جماعات امنیتی بخشی مهم از مباحث مرتبط با نظم‌های منطقه‌ای است. بر این اساس، نظریه‌پردازان مزبور به مقولاتی چون تأثیر فرایندهای اجتماعی و جامعه بین‌الملل بر تغییر سیاست‌های امنیتی و همچنین تعریف منافع امنیتی بازیگران در پاسخ به عوامل فرهنگی در چارچوب یک جماعت امنیتی می‌پردازند (Abdolkhani, 2003, p. 200). مطالعات امنیتی که با رویکرد سازه‌انگاری، انجام گرفته است، تلاش دارد تا فرایندهای تحول اجتماعی و بین‌المللی را در ارتباط با یکدیگر مورد ارزیابی قرار دهد (Sheyhan, 2010, pp. 240-241). ازاین رو در این مکتب تلاش برای پل زدن بین نظام‌های داخلی و بین‌المللی یکی از رویکردهای عمده‌ی سازه‌انگاران است و این مسئله باعث شده تا آنان امنیت داخلی و خارجی بازیگران را با یکدیگر مرتبط بدانند. پیوند شاخص‌های مربوط به امنیت داخلی و بین‌المللی، بیانگر آن است که کشورها در روند تأمین اهداف استراتژیک خود نیازمند بهره‌گیری از الگوها و شاخص‌های نرم‌افزاری می‌باشند. در این ارتباط ماهیت تهدیدات نیز دگرگون شده است. براساس اشکال جدید تهدید، استراتژی کشورها برای مقابله با تهدیدات طراحی شده است. براین اساس، سازه‌انگاران سرچشمه‌ی امنیت و ناامنی را درنحوی تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات، می‌دانند. از منظر سازه‌انگاری، امنیت بیش از قدرت بر میزان درک و فهم مشترک بازیگران از یکدیگر استوار است (Eivazzadeh Ardabili, 2013, pp. 210-211)

نظریه لیبرالیسم و امنیت

مکتب لیبرالیسم بر خلاف واقع‌گرایان، جنگ را واقعیت انکارناپذیر تحولات نظام بین‌المللی نمی‌دانند. هر چند لیبرال‌ها نیز بر هرج و مرج گونه بودن نظام جهانی اذعان دارند و



نظام بین‌الملل را فاقد اقتدار مرکزی همچون نظام داخلی می‌دانند، اما کانون توجه خود را روی آزادی متمرکز کرده‌اند. آنها اعتقاد دارند که روزی جهانیان آزادی خود را فدای کسب امنیت کرده‌اند، لذا هم اکنون باید جهت کسب آزادی، ناامنی را پذیرفت. در مجموع در قاموس لیبرالیسم، حقوق به عنوان تبلور آزادی، ذاتی فرد انسانی است و خود فرد است که هم سر چشمه حقوق خود و هم غایت همه نهادهای سیاسی و اجتماعی به شمار می‌آید. آزادی فرد، سه اصل مکمل یکدیگر یعنی خودمختاری فردی، امنیت و مالکیت را در خود گرد می‌آورد. لیبرال‌ها دولت را به عنوان بازیگر صحنه سیاست بین‌الملل می‌دانند ولی نه به صورت تنها بازیگر اصلی بلکه بر این اعتقادند که علاوه بر دولت‌ها بایستی به بازیگران فراملی نظیر سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی، انجمن‌ها و رژیم‌های بین‌المللی و جز اینها نیز عنایت کرد. لیبرال‌ها بر اهمیت مسائل اقتصادی، فناوری و زیست محیطی بیش از جنبه‌های نظامی تأکید دارند. آن‌ها وجود حاکمیت‌های جداگانه، تضاد مرزبندی‌های حقوقی و فیزیکی، تقویت ملیت‌گرایی و وجود رژیم‌های غیردموکراتیک را عامل برهم زنده صلح و امنیت و بروز جنگ و نقش در روابط بین‌الملل می‌دانند-Attarzadeh, 2000, pp. 151-152). به اعتقاد لیبرال‌ها، انتقال، تغییر و تبدیل حکومت‌ها پیش زمینه بازنویسی مفهوم امنیت است. در این روند توجه به حقوق بشر، هویت‌های فرهنگی و حیات اقتصادی و زیست بومی از اولویت‌های اساسی هستند، اما امنیت نیازمند ایجاد بستری برای مشارکت‌های مردمی در سطح بین‌المللی است تا آن را از انحصار متخصصان امنیتی و سیاستگذاران دولتی خارج نماید. به عبارتی باید در تلاش بود تا این ذهنیت محو شود که دولتها تنها تأمین‌کنندگان امنیت هستند. برخلاف رویکرد رئالیستی، امنیت و نظم در دیدگاه لیبرالی از توازن قوا حاصل نمی‌شود، بلکه حاصل تعاملاتی است که بین واحدهای مختلف حاکمیتی، سازش بین قوانین، هنجارهای مشترک، رژیم‌های بین‌المللی و مقررات نهادی وجود دارد. در این راستا لیبرال‌ها برای ترغیب همکاری از طریق نهادهای بین‌المللی خلع سلاح و حقوق بین‌الملل، بر تقویت چند جانبه‌گرایی و نظام مبتنی بر همکاری‌های دسته جمعی به جای برقراری اتحادهای دوجانبه و استقرار به اصطلاح موازنه‌ی حاصل از اتحادهای مزبور تأکید می‌کنند.

(Vousoughi & Sheikhou, 2013, p. 113)

جمع بندی و کاربرست چارچوب نظری

بررسی مبانی نظری نشان می‌دهد که عواملی از جمله: عدم توجه به فرد به‌عنوان مهم‌ترین مرجع امنیت، عدم توجه به موضوع هویت و تأثیر عوامل اجتماعی، عدم تغییر مرجع امنیت از دولت به جامعه، عدم توجه به مسأله جنسیت و عدم توجه به موضوعاتی همانند حقوق بشر و محیط زیست بر امنیت و چالش‌های آن تأثیرات فراوانی داشته‌اند چرا که؛ وجود عوامل جنسیتی، محیط زیستی، عدم توجه به فرد، عدم جایگزینی امنیت دولت با امنیت جامعه در راه وصول به اهداف نهادینه شده امنیت در نظام بین‌المللی مؤثر هستند؛ مضاف بر عوامل فوق می‌توان بیان داشت که شیوع بسیار سریع و وسیع ویروس کرونا نشان می‌دهد که رویکرد سنتی به مقوله امنیت پاسخگوی شرایط و نیازهای کنونی جامعه جهانی نیست. بروز تهدیدات جدید از قبیل جرایم سازمان‌یافته، گروه‌های تروریستی و تولید و قاچاق مواد مخدر و بیماری‌های طبیعی فراگیر و اپیدمیکی در دهه‌های اخیر نیازمند رویکردی جدید نسبت به مفهوم امنیت است. لذا جامعه‌ی بین‌الملل ضمن توجه به مفهوم موسّع از امنیت لازم است نقش و کارکرد سازمان‌های بین‌المللی همانند سازمان بهداشت جهانی و دیگر نهادهای بین‌المللی در حوزه سلامت و بهداشت و جلوگیری از تخریب محیط زیست افزایش یابد؛ چرا که تخریب محیط زیست بدون شک مسأله‌ای جهانی است که نیازمند برجسته شدن همکاری و نفع مشترک بشری است و دولت‌ها گریزی از واگذار کردن بخشی از حاکمیت و اقتدار خود به قوانین و الزامات بین‌المللی برای مقابله مؤثر با مشکلات زیست محیطی که کلیت جامعه بشری را تهدید می‌کند، ندارند. به عبارتی واضح-تر، دستیابی به امنیت زیست محیطی نیازمند همکاری جمعی دولت‌هاست علاوه بر آن از جمله پیامدهای گسترش ویروس کرونا توجه به موضوعاتی از جمله حقوق شهروندی، حقوق بشر، رعایت حقوق مالکیت، اختراعات و اکتشافات در حوزه پزشکی- سلامت و توجه به دو مقوله رعایت حقوق همگانی و مسئولیت همگانی می‌باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به‌لحاظ ماهیت در زمره‌ی تحقیقات اکتشافی؛ از نظر نوع تحقیق کاربردی و به - لحاظ استراتژی پژوهش دارای استراتژی استقرایی و از حیث ماهیت داده‌ها در زمره پژوهش‌های کیفی و از نوع تحلیل مضمون بوده است. جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان دانشگاهی و اجرایی در



رشته مطالعات امنیتی بویژه صلح و امنیت بین الملل و منطقه‌ای بوده است که از طریق روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده‌اند. لذا داده‌های پژوهش پس از انجام مصاحبه نیمه ساخت‌یافته (نیمه استاندارد) با پانزده خبره به حالت اشباع نظری رسید و انجام مصاحبه متوقف شد.

برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضامین (برای نشان دادن ارتباط و وابستگی مضامین) به واسطه انجام فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) به منظور احصاء و کشف مضامین پایه، سازمان یافته و فراگیر در راستای طراحی و اعتبار سنجی مدل مطلوب نقش کرونا بر صلح و امنیت بین المللی استفاده شده است.

علاوه بر آن، جهت اعتبارسنجی (قابلیت اطمینان و باورپذیری) مضامین و نیز مدل برساخته شده از دو روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی که به معنای رجوع به مشارکت کنندگان (در اینجا مصاحبه شوندگان) است (Felik, 2006, p. 415) و نیز روش ممیزی (رجوع به خبرگان و ارزیابان) استفاده شده است. همچنین جهت پایایی سنجی مضامین از دو روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال و یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است. قابلیت تکرارپذیری بواسطه روش ضریب توافق درونی بین دو کدگذار (محقق با محقق همکار) در رابطه فرایند کدگذاری اطلاق می‌شود (Saroukhani, 2008, p. 289)؛ لذا ناهماهنگی‌های بوجود آمده از طریق بازنگری در فرایند کدگذاری داده‌ها مرتفع شده است. همچنین به منظور قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری سعی شد تا حد امکان از صاحب نظران مختلف حوزه‌های دانشگاهی و نیز اجرایی مرتبط با موضوع تحقیق در پژوهش استفاده شود؛ یعنی سعی شده است که نمونه‌گیری نظری به صورت منظم و جامع صورت گیرد (Astraus and Karbin, 2018: 283-284).

یافته‌های تحقیق

به منظور تحلیل داده‌های کیفی از تحلیل مضمون و از میان روش‌های مختلف تحلیل مضمون از روش شبکه مضامین استفاده شده است. در تعریف مضمون می‌توان چنین گفت: «مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود که به توصیف، سازماندهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. این روش واحدی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های متنوع و پراکنده را به داده‌های فنی و تفصیلی تبدیل می‌کند» (Braun and al, 2011, p. 153). تحلیل مضمون به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد که در این پژوهش از شبکه مضامین (برای نشان دادن ارتباط و

وابستگی مضامین) استفاده شده است. شبکه مضامین^۱ روشی در تحلیل مضامین است که آتراید استیرلینگ (۲۰۰۱) آنرا توسعه داده است. برای دستیابی به شبکه مضامین باید مراحل ذیل انجام شود:

الف- کشف مضامین اصلی و (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)، ب- کشف مضامین سازمان یافته (مضامین به دست آمده از تلخیص و ترکیب مضمون‌های پایه‌ای) و ج- کشف مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگرفته اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل). بعد از طی این مراحل، مضمون‌های به دست آمده به صورت نقشه‌های شبکه وب ترسیم می‌شوند که در آن مضامین برجسته همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. مضامین فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد؛ مضامین سازمان یافته واسط مضامین فراگیر و مضامین پایه‌ای شبکه است (Abedi Jafari, Quoted from and Others, 2011, p. 170).

در ادامه به تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساخت یافته (نیمه استاندارد) با خبرگان مطالعات امنیتی و بویژه امنیت بین‌الملل به منظور طراحی و اعتبار سنجی مدل مطلوب بحران زیست محیطی کرونا بر امنیت بین الملل پرداخته شده است:

جدول ۱- فرایند کدگذاری نظری برای کشف مضامین سازمان یافته

و فراگیر مطلوب بحران زیست محیطی کرونا

کدگذاری گزینشی (انتخابی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه‌ای
توجه به تهدیدات امنیتی ناشی از بحران بیماری‌های فراگیر و اپیدمیک (کرونا)	تهدید بودن مسائل طبیعی مانند بیماری‌های فراگیر و اپیدمیک از جمله کرونا برای صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای	تهدید شدن امنیت جهانی با بیماری‌های فراگیر و اپیدمیک
		بوجود آمدن مشکلات اقتصادی بواسطه آسیب‌های ناشی از بیماری‌های فراگیر
		بوجود آمدن منازعات داخلی و قومی بواسطه بیماری‌های طبیعی فراگیر
		چالش برانگیز بودن عدم توجه به مسائل طبیعی و زیست محیطی
		مسائل اپیدمیکی چالش جدی آینده نظام بین‌المللی و منطقه‌ای
		شفاف سازی در خصوص فاجعه مشترک

^۱. Thematic Network



بین‌المللی مسائل اپیدمیکی		
مسائلی از جمله کرونا بزرگترین تهدید امنیتی		
مشکل زا بودن بی توجهی به مسائل طبیعی		
فراگیر از جمله کرونا در امنیت آینده جوامع		
مسائل زیست محیطی و طبیعی قربانی		
اهداف، منافع و امنیت ملی		
عقیم ماندن تلاش معاهدات پاریس در رابطه		
با پرداخت غرامت و مکانیسم‌های حمایت		
از محیط زیست	عدم توجه جدی دولت‌ها نسبت	
وجود اختلاف نظر کشورها در رابطه با	به مسائل طبیعی از جمله	
کنوانسیون‌ها و نهادهای حقوقی در راستای	بیماری‌های واگیردار و فراگیر	
بحران‌های زیست محیطی و طبیعی از جمله کرونا		
عدم تمایل دولت‌ها برای هزینه کردن در		
زمینه مسائل طبیعی همه‌گیر		
مهم بودن نقش مکانیسم‌های حقوقی در		
کنوانسیون‌های بیولوژیکی در همکاری‌های	با اهمیت بودن نگرش مشترک	
کشورها	بین‌المللی به حوادث طبیعی و	
تأکید بر حفظ سلامت در ادیان الهی	اپیدمیکی همانند کرونا	
دو سویه بودن صلح و امنیت با کرونا و		
بیماری‌های فراگیر		
موثر بودن توسعه حقوق بشر مستقل در		
دستیابی به امنیت جامع در نظام بین‌الملل	توجه به حقوق بشر و	
با اهمیت بودن حقوق بشر در تحقق بخشی	مکانیسم‌های آن در امنیت جامع	
امنیت بلندمدت بین‌المللی	بین‌المللی	
با اهمیت بودن حقوق بشر در تحقق بخشی		
به مسائل مختلف امنیتی		
دستیابی به امنیت جامع بین‌المللی از طریق		
توجه به نهادها و کنوانسیون‌ها و یا رژیم‌های		
حقوقی مشترک		توجه به نسل سوم حقوق بشر
عدم گنجاندن حقوق بشر و ملاحظات	توجه به چالش‌های محیط	
اخلاقی در حوزه حفاظت از محیط زیست	زیستی حقوق بشر	

عدم توجه به محیط زیست به عنوان یک پیش شرط برای تحقق استانداردهای حقوق بشری	
عدم توجه به حقوق محیط زیستی به عنوان یک حقوق بشر مجزا	
تهدید بودن نظام های ناقض حقوق بشر برای امنیت جهانی	
استفاده ابزاری از حقوق بشر در بحث امنیت در نظام بین الملل	مقابله با استفاده ابزاری از مکانیسم های حقوق بشر از سوی دولت ها
حق زیست در محیط مناسب و آرام	
عدم توجه به حق مشارکت مردم در امور محیط زیست	
تلاش سه گانه های حقوق بشر برای دستیابی به جامعه جهانی بهتر	
مؤثر بودن تلاش دولت ها در تأمین امنیت جامع از طریق توجه به سه گانه های حقوق بشر	
توجه به نسل اول حقوق بشر یعنی حقوق مدنی و سیاسی	توجه به تأثیر حقوق بشر بر امنیت بین المللی
دفاع از حقوق انسان ها بواسطه شهروندی بین المللی صلح محور	
توجه به نسل دوم حقوق بشر یعنی حقوق اقتصادی و اجتماعی	
توجه به اصول پایه حقوق بشر و مورد قبول اکثریت	
با اهمیت بودن توسعه فرهنگی و اجتماعی در حوزه سلامت	
رشد و رفع نیازهای بهداشتی جوامع	
امنیت ملی در سایه تقویت حوزه سلامت و بهداشت	لزوم تغییر نگرش از توجه به تجهیزات نظامی به جنبه های بهداشتی، اقتصادی
توسعه امنیت و سلامت انسانی جوامع شرط لازم و نه کافی دستیابی به امنیت در نظام بین الملل	توجه به تأثیر توسعه اقتصادی در حوزه سلامت و بهداشت پیش شرط دستیابی به امنیت



توسعه یافتگی اقتصادی تسهیل گر توسعه حقوق سلامت و بهداشت		
عدم توجه به بهم پیوستگی مسائل خاصه مسائل بهداشتی و سلامتی		
مسبوق بودن امنیت پایدار به ارتباط میان سیاست و اقتصاد		
تعامل اقتصاد و حوزه بهداشت ضامن نگرش ها و کارکردهای مسالمت آمیز در سطح بین الملل		
رعایت استانداردهای طلایی در حوزه بهداشت (پیشگیری، رفتار ایمن و پرهیز از رفتارهای پرخطر مهمترین رکن صلح و امنیت بین المللی و منطقه ای		
از بین رفتن شکاف آگاهی و دانش و کاهش تنش های بین المللی در سایه توسعه پایدار		
از بین رفتن شکاف نابرابری ها در سایه توسعه یافتگی در همه حوزه ها از جمله حوزه اجتماعی جوامع		
شکاف بزرگ بین فقیر و غنی در سطح جهانی در حوزه بهداشت و سلامت		
مسبوق بودن امنیت جامع به امنیت جانی و بهداشتی		
افزایش آلودگی های زیست محیطی و افزایش نابرابری های اقتصادی جدید		
انباشتنی زباله ها و فاضلابها و ضایعات حاصل از فعالیت های صنعتی و کشاورزی	بی توجهی به تخریب و نابودی محیط زیست	
انتشار اکسیدهای ازت و توسعه موارد فتوشیمیایی و ازن تروپوسفر		
بحران کاهش و تجزیه زیستگاه ها و مناظر طبیعی	توجه به بحران های چهارگانه محیط زیست	
بحران مهاجرت		

بحران تغییرات آب و هوایی		
کمبود آب و افزایش درگیرهای خشونت آمیز بر سر آن،		
به چالش کشیده شدن بی تفاوتی دولت‌ها و مجامع بین‌المللی به خاطر عدم توجه به مسائل بهداشتی در جنوب-جنوب	عدم توجه به رعایت حقوق همگانی در حوزه سلامت در سطح جهانی	
توجه به مسئولیت‌های حقوقی نهادهای حاکمیتی در تأمین حق بر سلامت همگانی برای عامه مردم		
مسئولیت افراد در برابر رعایت حق شهروندی دیگران بر سلامت در بحران کرونا		ضروری بودن رعایت حقوق همگانی در دستیابی به امنیت بین‌الملل
حق بر اطلاعات درست در عرصه سلامت همگانی در شرایط بحرانی		
با اهمیت بودن مسئولیت‌های اخلاقی نهادهای حاکمیتی در تأمین حق بر سلامت همگانی و تأثیر آن در امنیت	با اهمیت بودن مسئولیت همگانی در برابر بیماری‌های واگیردار و تأثیر آن در تأمین صلح پایدار	
مهم بودن حق بر همبستگی بین‌المللی در برابر شیوع کووید ۱۹		
مهم بودن مسئولیت دولت‌ها در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به گروه‌های در معرض خطر (بیماران، سالمندان، زنان و کودکان)		
فقدان مدیریت و برنامه ریزی در حوزه بودجه بندی		
ضعف اقتصادی و کمبود بودجه	تخصیص ندادن بودجه اقتصادی به مسائل زیست محیطی	لزوم برنامه ریزی محیط زیستی در چارچوب برنامه ریزی کشوری
فقدان مدیریت اقتصادی		
مافیایی بودن اقتصاد		
گسترش فساد و رشوه		
پیشی گرفتن واردات بر صادرات	ناکارآمدی اقتصادی دولت‌ها در جهان سوم	
مولد نبودن اقتصاد		
دولتی بودن اقتصاد	دولتی و رانتیری بودن اقتصاد	
فقدان بخش خصوصی قوی	در این کشورها	



عدم برخورداری از شفافیت و نظارت		
ناتوانی سرمایه های داخلی در رقابت با سرمایه خارجی		
ناتوانی تولید داخل در رقابت با بازارهای جهانی		
عدم حمایت دولت از تولید کنندگان		

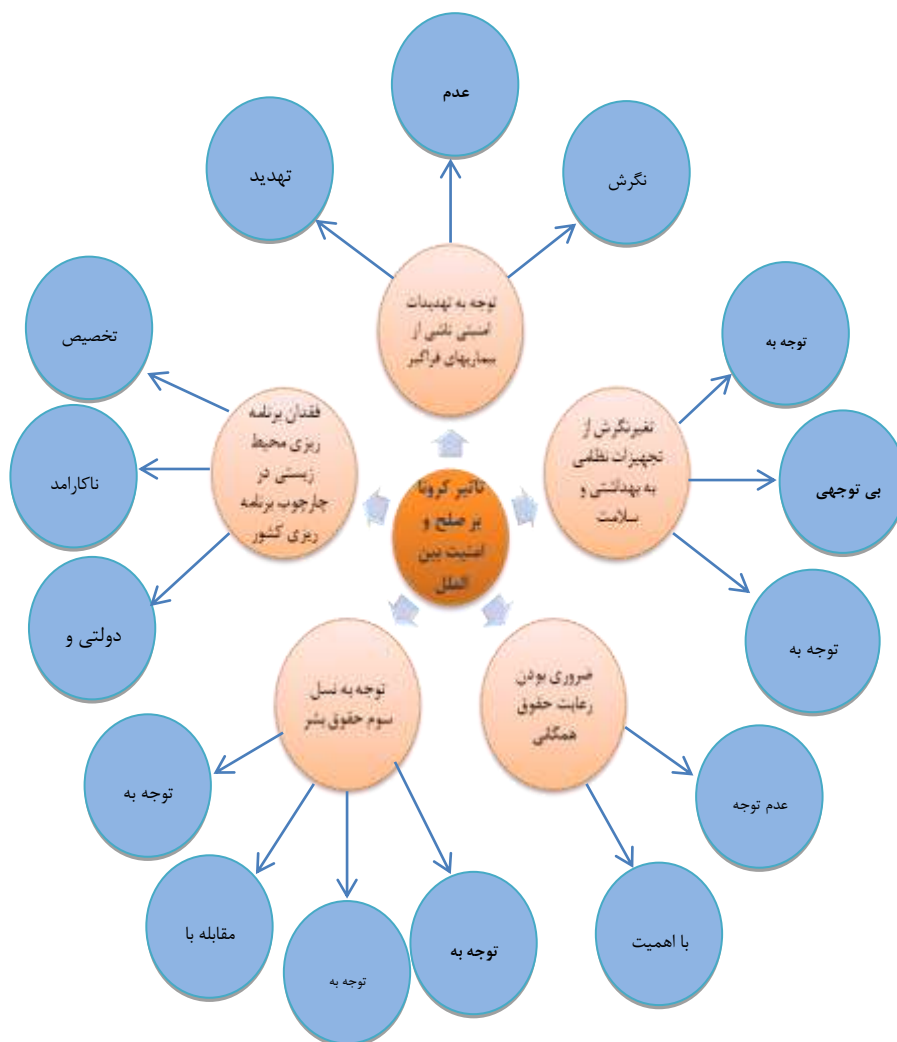
جدول ۱ تعداد مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته و مضامین پایه ای طراحی و اعتبار سنجی مدل مطلوب بحران زیست محیطی کرونا بر امنیت بین الملل مستخرج از داده های کیفی مرتبط با مصاحبه نیمه ساخت یافته (نیمه استاندارد) با خبرگان را نشان می دهد:

جدول ۲- تعداد مضامین فراگیر، سازمان یافته و پایه ای مدل مطلوب نقش کرونا بر صلح و امنیت بین المللی

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
۱	توجه به تهدیدات امنیتی ناشی از بحران بیماری های فراگیر و اپیدمی (کرونا)	۳	۱۵
۲	توجه به نسل سوم حقوق بشر	۴	۱۷
۳	تغییر نگرش از توجه به تجهیزات نظامی به جنبه های بهداشتی، اقتصادی	۳	۲۱
۴	ضروری بودن رعایت حقوق همگانی در دستیابی به امنیت بین الملل	۲	۷
۵	فقدان برنامه ریزی محیط زیستی در چارچوب برنامه ریزی کشوری	۳	۱۴
تعداد کل	۵	۱۵	۷۴

همان گونه که یافته های جدول ۲ نیز بیانگر آن می باشد؛ مدل مطلوب بحران زیست محیطی کرونا بر امنیت بین الملل براساس مصاحبه نیمه ساخت یافته (نیمه استاندارد) با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه مطالعات امنیتی از ۵ مضامین فراگیر، ۱۵ مضمون سازمان یافته و در نهایت با ۷۴ مضمون پایه ای به اشباع نظری رسیده است.

پس از احصاء و استخراج مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته و نیز مضامین پایه‌ای، در این قسمت به ترسیم مدل مفهومی شبکه‌ای برحسب مضامین فراگیر و سازمان یافته در ذیل نمودار ۱ مبادرت می‌شود



نتیجه گیری

امنیت موضوعی است که با حیات فردی و اجتماعی انسان همراه بوده و از نیازهای اساسی او محسوب می‌شود. امید به زندگی، پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها اعم از پیشرفت فرهنگی، اقتصادی و دستیابی به صنعت و تکنولوژی در پرتوی امنیت میسر و ممکن است.



تعریف جدید از امنیت نشان می‌دهد که مفهوم امنیت وسیع و گسترده و در حال تحول است و در حوزه‌های مختلف تعبیر و تفسیر می‌شود. بدون توجه به اقتصاد، محیط زیست و حقوق بشر نمی‌توان آینده روشنی را برای امنیت بین‌المللی متصور شد. در حال حاضر مسائل زیست محیطی در نقاط مختلف دنیا به عنوان مفاهیم اصلی حقوق بشری از طرف جامعه جهانی‌ای که روندی جهانی شدن آن فزاینده است پذیرفته می‌شود. همبستگی میان گسترش دانش و تکنولوژی و حقوق بشر دهه‌ها است که جزء برنامه نهادهای مختلف وابسته به سازمان ملل متحد است.

امروزه بیشترین چالش‌های حوزه امنیت در حیطه محیط زیست گنجانده می‌شوند، مسائلی از جمله گرم شدن زمین، افزایش جمعیت، آلودگی‌های صنعتی، فرسایش خاک، مهاجرت بی‌رویه، کم‌آبی... همه و همه امنیت بین‌الملل را با چالش اساسی روبه‌رو کرده‌اند؛ لذا درک درست از امنیت بدون توجه به شاخص‌های محیط زیست نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی منبعث از نظام وستفالیایی شده است. در این دوره ماهیت تهدیدات تغییر یافته و تهدیدات از جنبه نظامی به حوزه‌های دیگر از جمله فقر و گرسنگی، تروریسم، قاچاق و جرائم سازمان‌یافته، مهاجرت‌های بی‌رویه، محیط زیست، نقض حقوق بشرو شیوع بیماری‌های فراگیر و اپیدمی در قالب ویروس‌ها و باکتری‌ها تسری یافته است. نمونه اخیر این نوع از بیماری‌ها کووید ۱۹ یا کرونا می‌باشد. لذا در بحث امنیت و بیماری‌های اپیدمیکی نظیر کرونا قابل بررسی است که امروزه بیشترین چالش‌های حوزه امنیت در حیطه‌ی امنیت طبیعی یا زیست محیطی گنجانده می‌شوند. بنابراین امنیت طبیعی و زیست محیطی با توجه به مقیاس جهانی آنها که همه انسان‌های کره خاکی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ ضرورت همبستگی جهانی و همکاری بین‌المللی از الزامات می‌باشد. از این منظر طراحی و اعتبار سنجی مدل مطلوب بحران زیست محیطی کرونا بر امنیت بین‌الملل براساس مصاحبه نیمه ساخت یافته (نیمه استاندارد) با ۱۵ نفر از خبرگان و بواسطه فرایند تحلیل به شرح ذیل می‌باشد:

۱-مضمون فراگیر توجه به تهدیدات امنیتی ناشی از بحران بیماری‌های فراگیر و اپیدمیکی (کرونا) از سه مضمون سازمان یافته شامل: تهدید بودن مسائل طبیعی مانند بیماری‌های فراگیر و اپیدمیکی از جمله کرونا برای صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای، عدم

توجه جدی دولت‌ها نسبت به مسائل طبیعی از جمله بیماری‌های واگیردار و فراگیر و با اهمیت بودن نگرش مشترک بین‌المللی به حوادث طبیعی و اپیدمیکی همانند کرونا تشکیل شده است.

۲- مضمون فراگیر توجه به نسل سوم حقوق بشر از چهار مضمون سازمان یافته شامل: توجه به حقوق بشر و مکانیسم‌های آن در امنیت جامع بین‌المللی، توجه به چالش‌های محیط زیستی حقوق بشر، مقابله با استفاده ابزاری از مکانیسم‌های حقوق بشر از سوی دولت‌ها و توجه به تأثیر حقوق بشر بر امنیت بین‌المللی تشکیل شده است.

۳- مضمون فراگیر تغییر نگرش از توجه به تجهیزات نظامی به جنبه‌های بهداشتی، اقتصادی از سه مضمون سازمان یافته شامل: توجه به تأثیر توسعه اقتصادی در حوزه سلامت و بهداشت پیش شرط دستیابی به امنیت، بی توجهی به تخریب و نابودی محیط زیست، توجه به بحران‌های چهارگانه محیط زیست تشکیل شده است.

۴- مضمون فراگیر توجه به ضروری بودن رعایت حقوق همگانی در دستیابی به امنیت بین‌الملل از دو مضمون سازمان یافته شامل: عدم توجه به رعایت حقوق همگانی در حوزه سلامت در سطح جهانی و با اهمیت بودن مسئولیت همگانی در برابر بیماری‌های واگیردار و تأثیر آن در تأمین صلح پایدار تشکیل شده است.

۵- مضمون فراگیر فقدان برنامه ریزی محیط زیستی در چارچوب برنامه ریزی کشوری شامل سه مضمون سازمان یافته شامل: تخصیص ندادن بودجه اقتصادی به مسائل زیست محیطی، ناکارآمدی اقتصادی دولت‌ها در جهان سوم و دولتی و رانتیری بودن اقتصاد در این کشورها تشکیل شده است.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های رامز الشیشی (۲۰۲۰)، حافظ نیا و نورانی (۱۳۹۹) ساشا جوردژویچ، بویان دوبوژک (۲۰۲۰) حوزه و دانشگاه (۱۳۹۹)، دانشگاه شیراز (۱۳۹۹) مبنی بر توجه به جنبه‌های نرم امنیت در ابعاد مختلف، چالش‌های امنیتی دوران پساکرونا، توجه به مسئولیت مدنی و حقوق همگانی، افزایش جرم و جرائم سازمان یافته ناشی از کرونا، توجه به مسائل زیستی و محیطی همخوانی دارند.



- Abdolkhani, Ali (2011). "Security Theories". Tehran: Abrar Moaser cultural institution of international studies and research, Tehran. Deputy of Research. [in Persian].
- Astrauus, Enslam and Juliet Karbin (2018). Fundamentals of Qualitative Research (Techniques and Stages of Producing Background Theory), Translated by Ebrahim Afshar, Seventh Edition, Tehran: Ney [in Persian].
- Attarzadeh, Mojtaba (2000). "Global security: from theory to reality". Journal of Political-economic Intelligence. Mordad & Shahrivar, 1378, pp 143-144. [in Persian]
- Booth, Ken. Critical Security Studies and World Politics: 263 Boulder, Col.: Lynne Publishers, Inc, 2005, pp. 260-261. Available at: (https://www.researchgate.net/publication/37145906_Critical_Security_Studies_and_World_Politics) (Accessed on: 5/6/2020).
- Conca, Ken. Thwaites, Joe. & Lee, Goueun; (2017). "Climate Change and Global Security. What Role of the UN Security Council?". Friedrish Ebert Stiftung.
- Ebrahimi, N (2008). "analysis of the basis and culture of Copenhagen school". Foreign Policy, No. 82. [in Persian].
- Eivazzadeh Ardabili, Hossein (2013). "Interpretative Construction of Security in terms of Constructivism". International Studies Quarterly. [in Persian].
- Felik, Oveh (2006). An Introduction to Qualitative Research, Translated by Hadi Jalili, Second Edition, Tehran: Ney [in Persian].
- Guzzini, Stefano, (2000). "A Reconstruction of Constructivism in International Relations", European Journal of International Relations, Vol.6, No.2, pp:144. Available at: (<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1354066100006002001>), (Accessed on: 5/6/2020
- Hafeznia, Mohammadreza (2018). "principles and concepts of geopolitics". Mashhad, Papli Publications. [in Persian].
- Mohammadreza; Nourani, Mahmoud (2020). "Corona crisis and evolution of the concept of national and international security". Scientific report: Covid-19 scientific watch, Tarbiat Modarres University. [in Persian].
- Moshirzadeh, Homeyra (1996). A Review of Revolution Theories in the Social Sciences, Rahbord Publication, No. 9, pp. 107- 156. [in Persian].
- Raje, A. (2020, November 14). *How COVID-19 Could Reshape International Security Policy*. Chicago Policy Review.

<https://chicagopolicyreview.org/2020/11/17/how-covid-19-could-reshape-international-security-policy/>

- Salako, Solomon. (2017). Climate Change, Environmental Security and Global Justice. *International Law Research*. 6. 119. 10.5539/ilr.v6n1p119.
- Saroukhani, Bagher (2008). Research methods in social sciences, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies, volume 1, Fourteenth Edition. [in Persian].
- Sheyhan, Micheal (2010). "International Security". Translator: Seyyed Jalal Dehghani Firouz Abadi, Tehran, Strategic Studies Research Center. [in Persian].
- Shultz, R. (1997). Introduction to International Security. *Security studies for the 21th security*, Edited by: Richard H. Shultz Jr; Roy Godson and Georg H. Quester. Virginia: Brasey's Inc.
- Vousoughi, Saeed & Sheikhoun (2013), "Perception of international theories on realism theories and its effects on security concept (laying emphasis on theories of realism, liberalism and constructivism)". *Political and international Approach Quarterly*. No. 30. [in Persian].
- Vrey, F & Solomon, H (2020). COVID-19 as a security threat: some initial perspectives. *Security Institute for Governance and Leadership in Africa*.
- Wind, Marlene (1997). "Nicholas G. Onuf: the rules of anarchy", in: *The Future of International Relations: Masters in the Making*, edited by Iver B. Neumann and Ole Wæver, London and New York: Routledge, pp:225 Available at:(https://books.google.com/books/about/The_Future_of_International_Relations.html?id=z35kRtlhX88C), (Accessed on: 15/4/2018)
- Лапаева В.В. Политико-правовая концепция Ю. Хабермаса (с позиций либертарного правопонимания) , Available at:(// <http://igpran.ru/articles/2964/> Последнее обращение 11.09.2014),(Accessed on: 16/9/2018)